



10.48315/QGL.2025.507707.1197

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال پنجم، شماره چهارم (پیاپی ۱۸)، زمستان ۱۴۰۳، صص. ۸۳-۱۰۶

جایگاه مواد مسئولیت بین‌المللی دولت در داوری ایکسید

امیر درون‌پرو*
 نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

کاربرد مواد مسئولیت بین‌المللی دولت از زمان تأسیس نهاد داوری‌های ایکسید به موضوعی پرکاربرد و درعین حال چالش‌برانگیز در این نهاد داوری تبدیل شد. ضرورت‌ها و چالش‌های استناد به قواعد مسئولیت در دعاوی داوری سرمایه‌گذاری در بسیاری از پرونده‌های مطروحه در مرجع داوری ایکسید به بحث گذارده شده است و یافتن رویکردی واحد میان آرای داوری چندان ساده نیست. به همین دلیل پژوهش حاضر بر آن است تا جایگاه مواد پیش‌نویس راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت را که به زعم اکثریت حقوقدانان بین‌المللی، به صورت قواعد عرفی بین‌المللی درآمده در آرای داوری ایکسید به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، مورد بررسی قرار دهد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نحوه کاربرد و نقش و جایگاه این مواد در تصمیم‌گیری‌های مرجع داوری ایکسید است. به عبارت دیگر در این پژوهش قصد داریم دریابیم که آیا این مواد به‌نحو مستقیم در نتیجه‌گیری داوری‌های ایکسید نقش دارد یا صرفاً مقدماتی فرعی برای حصول نتیجه‌گیری است. در مقاله حاضر برای پاسخ به این پرسش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است؛ به این ترتیب که با مطالعه دکتترین حقوقی و آرای داوری به توصیف وضعیت کاربرد مواد مسئولیت در آرای داوری پرداخته و نوع و نحوه کاربرد این مواد و جایگاه آنها در تصمیم‌گیری‌های دیوان تحلیل شد. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد این مواد عمدتاً در جهت افزایش قدرت اقتناع آرای داوری ایکسید مورد استناد قرار می‌گیرند تا اینکه مستقیماً در حل و فصل اختلاف تأثیر داشته باشند.

واژگان کلیدی

حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت، داوری ایکسید، تعهدات بین‌المللی دولت، عمل متخلفانه بین‌المللی.

* دانش‌آموخته دکترای حقوق بین‌الملل، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

amirdaroonparvar@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

مقدمه

یکی از حوزه‌های حقوق بین‌الملل که اشخاص در آن امکان طرح دعوا علیه دولت‌ها را دارند، حوزه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری است. یکی از مهم‌ترین اسناد حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری، یعنی کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن یا کنوانسیون ایکسید^۱، این حق را به اشخاص (سرمایه‌گذاران) اعطا کرده است که به مسئولیت بین‌المللی دولت استناد کنند.

هرچند در بادی امر به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران حق استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را دارند و مراجع داوری ایکسید نیز می‌توانند در احراز مسئولیت بین‌المللی دولت به مواد طرح مسئولیت استناد کنند، اما در این ارتباط ذکر چند نکته اهمیت اساسی دارد: اولاً، مواد طرح مسئولیت به نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها می‌پردازد، نه هرگونه تعهد دیگری. تعهد بین‌المللی نیز تعهدی میان‌دولتی است، اما در حوزه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، روابط میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار از طریق قراردادهای سرمایه‌گذاری برقرار می‌گردد که ماهیتاً تعهد بین‌المللی محسوب نمی‌شود. ثانیاً، این نکته را باید مدنظر قرار داد که هرگونه نقض معاهده راجع به سرمایه‌گذاری، نقض تعهد بین‌المللی دولت نیست و موضوع مواد طرح مسئولیت قلمداد نمی‌شود. ثالثاً، گفتنی است ماده ۵۵ طرح پیش‌نویس که اصل «قواعد خاص» را مورد شناسایی قرار می‌دهد، مقرر می‌دارد مواد مسئولیت در جایی که موضوع تحت حکومت قواعد خاصی از حقوق بین‌الملل باشد، اعمال نمی‌شود. از این رو قاضی یا داور بین‌المللی نخست باید معاهده‌ای خاص میان طرف‌ها را مورد بررسی قرار دهد، در صورتی که آن معاهده (نظیر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری) مقررات خاصی را راجع به موضوع مورد بررسی تنظیم کرده باشد، دیگر محلی برای اعمال مواد مسئولیت وجود ندارد. هرچند برخی معتقد به حکومت رژیم خاص و متمایز مسئولیت بین‌المللی بر داوری‌ها در روابط بین دولت میزبان و سرمایه‌گذار هستند (Douglas, 2009, p. 96)، با این حال، تردید کمی وجود دارد که مواد مسئولیت به دلیل شناسایی به عنوان قواعد عرفی در داوری-های سرمایه‌گذاری نیز قابلیت اعمال دارند، مگر اینکه معاهدات سرمایه‌گذاری (طبق ماده ۵۵ پیش‌نویس مواد مسئولیت) حکومت قواعد عرفی را صریحاً یا ضمناً تخصیص داده باشد (سیفی، ۱۴۰۱، ص. ۳۱۰). در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت از آنجایی که معاهدات دوجانبه یا چندجانبه سرمایه‌گذاری بیش از هر چیز برای حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی در مقابل دولت میزبان طراحی شده است و صرفاً به طرق حل‌وفصل اختلاف اشاره کرده است، برخی موارد خاص مربوط به حل‌وفصل اختلافات نظیر قواعد انتساب، معاذیر رافع وصف متخلفانه و جبران خسارت یا

1. The Washington Convention (The International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)), adopted on March 18, 1965, entered into force on October 14, 1966.

گرامت، به قواعد عام حقوق بین‌الملل از جمله قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت احاله می‌شود. در هر حال، مراجع داوری ایکسید، مواد پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت را مورد شناسایی قرارداده‌اند. برای نمونه، دیوان در رأی آرچر دنیلز علیه مکزیک، در ارتباط با ارزیابی از وضعیت مواد مسئولیت بیان می‌دارد: «دیوان این واقعیت را مورد شناسایی قرار می‌دهد که مواد مسئولیت محصول بیش از ۵ دهه تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل است. بخشی از این مواد بازنمایی «توسعه مترقیانه» حقوق بین‌الملل و بخش عمده آن بازنمایی حقوق بین‌الملل عرفی در ارتباط با قواعد ثانویه مسئولیت است» (ICSID, Case No. ARB(AF)/04/05, 2007, para. 116). دیوان در سال ۲۰۰۸ نیز در قضیه کورن پرود/اکتر علیه مکزیک بیان داشت که این مطلب «پذیرفته شده است» که مواد مسئولیت دربرگیرنده «معتبرترین احکام» پیرامون قواعد مسئولیت دولت است (ICSID, Case No. ARB(AF)/04/01, 2008, para. 76). با این حال، فارغ از میزان استفاده مراجع داوری سرمایه‌گذاری از مواد مسئولیت، مسئله اینجاست که اساساً این مواد که در زمان تدوین با هدف انتظام بخشی به اختلافات بین‌الدولی طراحی شده بود و می‌بایست بررسی شود که چگونه می‌توان این مواد را نسبت به سرمایه‌گذاران که معمولاً اشخاص خصوصی و موجودیت‌های حقوقی هستند، اعمال کرد.

برای بررسی این مسائل در این مقاله قصد داریم ابتدا موجودیت‌هایی که طبق مواد مسئولیت حق استناد به مسئولیت دولت را دارند، مشخص کنیم و جایگاه سرمایه‌گذار در این ارتباط را مشخص کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که آیا موجودیت‌های خصوصی می‌توانند مخاطب مواد طرح مسئولیت قرار گیرند یا خیر؟ پس از آن می‌بایست ماهیت تعهدات دولت‌ها در ارتباط با سرمایه‌گذاری بین‌المللی را روشن کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که آیا نقض تعهدات دولت در قبال سرمایه‌گذار، نقض تعهد بین‌المللی دولت محسوب می‌شود یا خیر؟ در ادامه نیز به بررسی جایگاه مواد مسئولیت بین‌المللی دولت در آرای داوری ایکسید و میزان و چگونگی استناد این مرجع به مواد مسئولیت، خواهیم پرداخت. به این منظور تقسیم‌بندی طرح پیش‌نویس را مورد استفاده قرارداده و استناد به مواد هریک از این طرح را در آرای داوری این نهاد، بررسی خواهیم کرد.

۱. حق سرمایه‌گذار در استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت

طرح مسئولیت بین‌المللی دولت در چند ماده موجودیت‌هایی که حق استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت‌های متخلف را دارند، بیان کرده است. این مواد عمدتاً در فصل اول از بخش سوم طرح، تحت عنوان «اجرای مسئولیت بین‌المللی» از ماده ۴۲ تا ۴۸ تنظیم شده است. تمرکز اصلی مواد این

فصل بر دولت‌ها به عنوان دارندگان حق استناد به مسئولیت است، از دولت یا دولت‌های صدمه دیده تا دولت‌های غیرصدمه دیده. فارغ از این دولت‌ها، همان‌گونه که کمیسیون در شرح مواد بیان داشته: «حقوقی که دیگر اشخاص یا واحدها ممکن است در اثر نقض یک تعهد بین‌المللی پیدا کنند، طبق بند ۲ ماده ۳۳ محفوظ مانده است» (حلمی، ۱۳۹۰، ص. ۳۴۲). حفظ حق استناد سایر موجودیت‌ها به مسئولیت بین‌المللی دولت، یکی از جنبه‌های بارز توسعه حقوق بین‌الملل و شناسایی حقوق و تکالیف برای اشخاص در صحنه بین‌المللی است. هرچند مواد طرح مسئولیت راه‌هایی را که موجودیت‌های غیردولتی امکان استناد به مسئولیت دولت را دارند بیان نکرده است، اما حداقل این واقعیت را مورد شناسایی قرار داده که در بسیاری از معاهدات بین‌المللی ذی‌نفع نهایی تعهدات دولت‌ها، اشخاص هستند (Lazo, 2014, p. 386-387). در گذشته چنین حقی برای افراد وجود نداشت و تنها راه حمایت از حقوق فردی، توسل به «حمایت دیپلماتیک» بود، اما در فرایند توسعه حقوق بین‌الملل پس از گذشت بیش از نیم قرن از آغاز تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین مواد مسئولیت، حداقل می‌توان سه حوزه را نام برد که در آن نقش اشخاص و موجودیت‌های غیردولتی در استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت نزد محاکم حل و فصل اختلافات بین‌المللی به روشنی مورد شناسایی قرار گرفته است: حقوق بشر، حمایت از محیط زیست، و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی (Weiss, 2002, p. 808-809). در واقع نقش گسترده قواعد خاص در توسعه حقوق بین‌الملل راجع به استناد به مسئولیت دولت در این حوزه‌ها روشن است.

محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی در مورد نقض حقوق بشر، حق اشخاص در طرح دعوی علیه دولت‌ها را مورد شناسایی قرار داده‌اند. توسعه حقوق بین‌الملل در حوزه محیط زیست نیز، جنبه دیگری از این قواعد خاص را شناسایی می‌کند که به اشخاص حق طرح شکایت علیه دولت‌ها را می‌دهد. برای نمونه، «موافقتنامه آمریکای شمالی پیرامون همکاری محیط زیستی» به سازمان‌های غیردولتی و اشخاص حق طرح دعوی علیه دولت‌های عضو که حقوق محیط زیست را رعایت نکنند، اعطا کرده است (ماده ۱۴)^۱. بعد دیگری از این توسعه در حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری محقق شده است. شبکه‌ای از هزاران معاهده دوجانبه و چندجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری وجود دارد که به سرمایه‌گذاران حق توسل مستقیم به مراجع داوری بین‌المللی را می‌دهد. در اغلب موارد نیز سرمایه‌گذار نیازی به طی کامل مراحل توسل به مراجع محلی ندارد (نظیر حل و فصل اختلافات در داوری ایکسید). در واقع به واسطه حجم عظیم اختلافاتی که میان سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان به وجود می‌آمد و تنها راه رفع آن نیز توسل به مراجع محلی یا حمایت دیپلماتیک از سوی دولت متبوع سرمایه‌گذار بود، کنوانسیون واشنگتن

1. North American Agreement on Environmental Cooperation, 1993.

سازوکاری را برای حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کرد. ماده ۳۳ پیش‌نویس مواد مسئولیت، در پاراگراف اول بر حق دولت‌ها (یک یا چند دولت و جامعه بین‌المللی در کل) در استناد به مسئولیت دولت متخلف تمرکز کرده است، اما چنین مقرره‌ای به طور حتم به تنهایی کافی نبود، چرا که این مقرره به صورت ضمنی بیان می‌دارد که همه تعهدات ثانویه متعلق به دولت‌ها یا مجموعه‌ای از دولت‌ها است و موجودیت‌های غیردولتی نمی‌توانند مستقیماً از نقض حقوق بین‌الملل آسیب ببینند. احتراز از چنین نتیجه‌ای، با بیان پاراگراف دوم ماده ۳۳ تحقق یافت. بند (۲) این ماده بیان می‌دارد: «این بخش در هر گونه حقی که ممکن است در اثر مسئولیت بین‌المللی دولت مستقیماً برای هر شخص یا واحدی غیر از یک دولت، به وجود آید، تأثیری ندارد». این ماده مجموعاً وضعیت‌های متعددی را مورد شناسایی قرار می‌دهد که در آن هم دولت‌ها و هم بازیگران و موجودیت‌های غیردولتی می‌توانند به عنوان ذی‌نفع یا خواهان، در ارتباط با مسئولیت بین‌المللی دولت، مورد شناسایی قرار گیرند (Crawford, 2002. p. 887). طرح پیش‌نویس مسئولیت مسئله حق استناد موجودیت‌های غیردولتی را به اصل «قواعد خاص» موکول کرده است. طبق این اصل که در ماده ۵۵ طرح پیش‌نویس آمده است، «این مواد در موارد و تا جایی که شرایط احتراز تخلف بین‌المللی یا حدود یا اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت تابع قواعد خاص حقوق بین‌الملل باشد، قابل اعمال نیست». بنابراین، مواد راجع به استناد به مسئولیت دولت در طرح پیش‌نویس در چارچوب «اجرای تکمیلی» قرار می‌گیرد و خدشه‌ای به حقوق اشخاص یا موجودیت‌های غیردولتی طبق رژیم‌های معاهده‌ای خاص وارد نمی‌آورد (Weiss, 2002. p. 816). درست است که قواعد مسئولیت دولت معادل قواعد اولیه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری تلقی نمی‌شود، با این حال تصمیمات مراجع حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذار دولت در تفسیر و اعمال قواعد طرح مسئولیت، یکی از پرکاربردترین منابع در مورد مواد مسئولیت است و بیش از نیمی از تصمیمات مستند به مواد مسئولیت از سوی مراجع داوری سرمایه‌گذاری صادر شده است (UN Doc. A/74/8).

۲. ماهیت تعهدات دولت میزبان در قبال سرمایه‌گذار خارجی

روابط میان سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌های میزبان عمدتاً از طریق انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری میان آن‌ها انتظام می‌یابد. چنین قراردادهایی در ماهیت خود، قراردادهایی در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل تلقی شده و موجد تعهدات بین‌المللی نیستند. اعتقادی که تا پیش از سال ۱۹۳۹ وجود داشت این بود که قراردادهایی که به وسیله چند دولت، اما خارج از اهلیت دولت به عنوان تابع حقوق بین‌الملل منعقد گردد، بر حقوق ملی یک یا چند دولت پایه‌گذاری شده است (دالزر،

شروتر، ۱۳۹۱، ص. ۲۵۱). از این رو چنان قراردادهایی خارج از حکومت حقوق بین الملل بود، اما به واسطه رشد بی سابقه سرمایه گذاری از اواسط دهه ۴۰ میلادی به این سو، تضمین های موجود در حقوق ملی دولت میزبان برای حمایت از سرمایه گذاری کافی نبود و از این رو «شرط فراگیر» به عنوان پل ارتباطی میان حقوق ملی دولت میزبان، قراردادهای سرمایه گذاری خصوصی و حقوق بین الملل عام مورد شناسایی قرار گرفت (همان). از سال ۱۹۵۹ میلادی که نخستین معاهده دوجانبه سرمایه گذاری در معنای مدرن آن میان آلمان و پاکستان منعقد شد، «شرط فراگیر» یا «شرط پاسداشت تعهدات» وارد فضای بین المللی شد. براساس گزارش آنکتاد از سال ۱۹۵۹ تا پایان سال فوریه ۲۰۲۵ میلادی مجموعاً ۲۸۴۴ معاهده دوجانبه سرمایه گذاری میان دولت ها منعقد شده که از این تعداد، ۲۲۲۲ معاهده لازم الاجرا شده است (<https://investmentpolicy.unctad.org>). در ارتباط با سایر موافقتنامه های بین المللی سرمایه گذاری از جمله معاهدات چندجانبه نیز، از مجموع ۴۸۱ معاهده منعقد شده، ۳۹۹ معاهده لازم الاجرا شده است (Ibid.). از میان این حجم عظیم از معاهدات حمایت از سرمایه گذاری اکثریت قریب به اتفاق آن ها چنین استنادی را مورد شناسایی قرار داده اند.

استاندارد یا شرط فراگیر مقررهای ناظر به تضمین تعهداتی است که دولت میزبان در برابر سرمایه گذار خارجی برعهده گرفته است و بسته به اوضاع و احوال خاص هر مورد، این شرط باعث می شود تا توافقات راجع به سرمایه گذاری که در قراردادهای بین دولت میزبان و سرمایه گذار خارجی تجلی می یابد، تحت چتر حمایتی معاهده سرمایه گذاری قرار گیرد (دالزر، شروتر، پیشین، ص ۲۴۹). به عبارت دیگر، نقض تعهدات منبث از قراردادهای سرمایه گذاری میان دولت یا سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و سرمایه گذار خارجی به منزله نقض تعهد حقوقی بین المللی مندرج در معاهده سرمایه گذاری تلقی می گردد.

فارغ از تشتت در آرای داوری پیرامون دامنه و مفهوم چنین شرطی، این واقعیت را باید پذیرفت که وجود چنین شرطی سبب شده است که تعهدات دولت های میزبان در قبال سرمایه گذاران خارجی که در چارچوب قراردادهای سرمایه گذاری ایجاد می شوند، تبدیل به تعهدات بین المللی دولت ها شده و سرمایه گذاران خارجی به عنوان اصیل چنین حمایت هایی حق استناد به مسئولیت بین المللی دولت ها را داشته باشند. هرچند این محدودیت نیز امروزه وسیعاً پذیرفته شده است که هرگونه نقض قراردادی، نقض تعهد بین المللی دولت تلقی نمی گردد. زیرا، تنها قراردادهایی به وسیله شرط فراگیر مورد حمایت قرار می گیرند که یا «قرارداد سرمایه گذاری» باشند یا دست کم «مستقیماً مرتبط با سرمایه گذاری» باشند. به عبارت دیگر، ادعای قراردادی باید ادعای مرتبط با سرمایه گذاری باشد (اخوان فرد، تقدیر، ۱۳۸۹، ص. ۲۵). در ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید

نیز صلاحیت دیوان منحصر به اختلافاتی شده است که «مستقیماً ناشی از سرمایه‌گذاری باشد». به این معنا که اختلافات قراردادی میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان زمانی تحت شمول نظام حل و فصل اختلافات ایکسید و مآلاً ذیل چتر حمایتی معاهدات سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد که ناشی از سرمایه‌گذاری باشد. البته اینکه مفهوم سرمایه‌گذاری چیست و مراجع داوری چه رویکردی نسبت به تعریف این مفهوم دارند، محل تشتت آراست و در دامنه موضوعی مقاله حاضر قرار نمی‌گیرد (زمانی، درون‌پرور، ۱۳۹۴، صص. ۹۷-۱۲۴).

۳. عمل متخلفانه بین‌المللی دولت

مواد طرح پیش‌نویس مسئولیت در بخش نخست، به مسئله عمل متخلفانه بین‌المللی دولت می‌پردازد. رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل نسبت به وجود مسئولیت بین‌المللی منحصر بر عناصر انتساب و نقض تعهد متکی است و عناصر تقصیر و ورود خسارت را به قواعد اولیه مؤکول کرده است. به علاوه، به واسطه قید کلی مندرج در ماده ۱ طرح مسئولیت، احراز وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی دولت کاملاً بی‌تأثیر از ذی‌نفع تعهد دولت است (Crawford, 2011. P. 25). به عبارت دیگر، مسئولیت دولت به نقض‌های حقوق بین‌الملل که ذی‌نفع اولیه آن تعهد، اشخاص یا موجودیت‌های غیردولتی باشند نیز تعمیم می‌یابد (ARSIWA with commentaries. 2001. pp.87-88).

در ارتباط با عناصر دوگانه نقض تعهد بین‌المللی و انتساب رفتار به دولت که در ماده ۲ پیش‌نویس آمده از یک سو، و صلاحیت مرجع داوری ایکسید از سوی دیگر، باید گفت اولاً، ماده ۲۵ (۱) کنوانسیون واشنگتن صلاحیت مرکز را مؤکول به وجود رضایت کتبی طرف‌ها کرده است و نقض یک مقررۀ معاهده‌ای را ذیل صلاحیت دیوان قرار می‌دهد، ثانیاً نقض معاهده شرط ضروری برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت طبق حقوق بین‌الملل است. از این رو، معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری شروط داوری را یا به صورت مضیق یا موسع تنظیم می‌کنند (Sornarajah, 1986. p. 96). تأثیر چنین انتخابی در این است که آیا نقض قرارداد سرمایه‌گذاری نیز به خودی خود منجر به نقض تعهد معاهده‌ای و احراز صلاحیت ایکسید می‌شود یا خیر؟ برای نمونه در ماده ۲۶ (۱) معاهده منشور انرژی رویکرد مضیق برگزیده شده و بیان می‌دارد طرح ادعاهای مبتنی بر نقض قرارداد سرمایه‌گذاری در ایکسید مجاز نیست، مگر نقض ادعایی منجر به نقض معاهده شده باشد. برخی معاهدات هم با عبارات «همه» یا «هرگونه» اختلاف میان دولت و سرمایه‌گذار خارجی، رویکرد موسع را اختیار کرده‌اند (Feit, 2010. p. 152). در مباحث پیش‌رو نحوه برخورد مرجع داوری ایکسید با مسئله قابلیت انتساب عمل به دولت و نقض تعهد بین‌المللی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳-۱. قابلیت انتساب عمل متخلفانه به دولت

واقعیت این است که صرفاً تعداد معدودی از موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری درمورد مسئله انتساب مسئولیت دولت قاعده‌گذاری کرده‌اند و به این ترتیب، مواد طرح مسئولیت دولت کماکان منبع راهنمای این موضوع تلقی می‌شود و به زعم بسیاری از مراجع داوری این قواعد در واقع تدوین حقوق بین‌الملل عرفی است (Kurtz, 2010. p. 171). هرچند احراز انتساب طبق بند ۵ ماده ۴۱ کنوانسیون ایکسید جزئی از مسائل مقدماتی در رسیدگی‌های ایکسید است، با این حال، واقعیات مرتبط با انتساب اغلب با ماهیت دعوی مرتبط است و می‌تواند واجد پیچیدگی‌هایی باشد، از این رو، انتساب یا به عنوان بخشی از ماهیت دعوی یا به عنوان ایراد صلاحیتی در مراجع داوری ایکسید مورد بررسی قرار می‌گیرد (PCA Case 2017-37, 2019. Para. 284). مواد طرح مسئولیت در ارتباط با قابلیت انتساب عمل به دولت فروض متعددی را در نظر می‌گیرد. مهم‌ترین مواردی که در داوری ایکسید مورد توجه و استناد قرار گرفته‌اند، مواد ۴، ۵ و ۸ طرح مسئولیت هستند. طرح پیش‌نویس در ماده ۴ اعمال ارگان‌های دولت، در ماده ۵ اعمال اشخاص یا نهادهایی که عناصری از اقتدار حکومتی را اعمال می‌کنند یا «نهادهای شبه دولتی یا نیمه دولتی»^۱، و در ماده ۸ نیز اعمالی را که مستقیماً به دستور یا فرمان دولت انجام می‌گیرد، را قابل انتساب به دولت عنوان می‌کند. گفتنی است که ماده ۴ پیش‌نویس متکی بر «ارزیابی یا معیاری ساختاری» است و دولت را به عنوان یک شخص واحد در حقوق بین‌الملل، مسئول اعمال همه ارگان‌های خود فارغ از هر جایگاهی در سلسله‌مراتب حکومتی می‌داند. ماده ۵ متضمن «ارزیابی کارکردی» است و از یک جنبه اساسی با ماده ۴ تفاوت دارد؛ به این ترتیب که این ماده نهادهایی را مدنظر دارد که ارگان دولتی نیستند، اما طبق قانون مجاز به اعمال عناصری از اقتدار حکومتی هستند. این ماده مخصوصاً در ارتباط با شرکت‌های دولتی که خصوصی شده‌اند، اما کماکان کارکردی عمومی دارند، واجد اهمیت است. و ماده ۸ نیز دربرگیرنده «معیار کنترل» است و در این رابطه کمترین استناد را در آرای داوری ایکسید دارند (Feit, 2010. P. 14; Crawford, 2010. p. 133-134). پیش از ورود به بحث دو نکته اساسی را باید روشن ساخت. یکی اینکه استناد مراجع داوری ایکسید به مواد مسئولیت در تمام موارد موکول به فقدان «قواعد خاص» در معاهدات سرمایه‌گذاری بوده است و هرکجا چنین وضعیتی در معاهدات سرمایه‌گذاری قاعده‌مند شده مراجع صرفاً به آن تکیه کرده‌اند (NAFTA Chapter 11 Arbitration, 2011. paras. 59-62). دوم اینکه، لازم است میان مسئولیت ناشی از قرارداد و مسئولیت بین‌المللی قائل به تفکیک شویم. قواعد حاکم بر انتساب در صورت نقض تعهدات قراردادی تابع قانون مناسب حاکم بر قراردادهاست و ارتباطی به مسئولیت

1. parastatal entities

بین‌المللی ندارد (عمیدمهر، سیفی، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۲). مخصوصاً اینکه قواعد انتساب در قوانین داخلی تفاوت روشنی با قواعد انتساب در حقوق بین‌الملل دارد و حداقل اینکه دولت در قوانین داخلی دارای شخصیت یکپارچه نیست و همچنین میان مقامات عالی‌رتبه و رده پایین قائل به تفکیک شده است، در حالی که در حقوق مسئولیت بین‌المللی چنین تفکیکی وجود ندارد (Crawford, 2010, p. 134). همچنین باید در نظر داشت که نقض قرارداد سرمایه‌گذاری منجر به طرح مسئولیت دولت نمی‌شود. به عبارت دیگر نقض قرارداد در صورتی نقض تعهد بین‌المللی دولت تلقی می‌گردد که آن قرارداد تحت حمایت معاهده باشد و طبق «شرط فراگیر» که پیش‌تر از آن صحبت کردیم، تعهد به حمایت از قراردادهای سرمایه‌گذاری، یک تعهد معاهده‌ای باشد. در ادامه به ارزیابی برخورد دیوان داوری ایکسید با مسئله قابلیت انتساب می‌پردازیم.

۳-۱-۱. ارگان دولتی

یکی از بهترین توضیحات در داوری ایکسید در ارتباط با ماده ۴ و انتساب اعمال شرکت‌ها به دولت را می‌توان در رأی قضیه *مافرینی علیه اسپانیا* مشاهده کرد. *امیلیو مافرینی* یک شهروند آرژانتینی به همراه یک شرکت خصوصی اسپانیایی (SODIGA) اقدام به تأسیس یک شرکت اسپانیایی (EAMSA) به منظور تولید محصولات شیمیایی می‌کنند. پروژه شکست می‌خورد و *امیلیو مافرینی* علیه دولت اسپانیا در ایکسید طرح دعوا می‌کند؛ با این استدلال که قصور از جانب شرکت SODIGA بوده و از آنجایی که این شرکت یک نهاد عمومی بوده، فعل و ترک فعل آن منتسب به دولت اسپانیاست (ICSID Case No. ARB/97/7, 2000, para. 72). دولت اسپانیا نیز با اتکاء بر «ارزیابی ساختاری» بیان می‌دارد این شرکت یک نهاد خصوصی بوده و عملش قابل انتساب به دولت اسپانیا نیست (Ibid. para. 47). دیوان در ابتدا این مطلب را روشن می‌کند که حتی ذیل «معیار ساختاری» نیز شرکت‌هایی نظیر SODIGA وجود دارند که کاملاً خارج از طرح کلی اداره عمومی دولت نیستند. همچنین بسیاری از نهادهای عمومی که تابع حقوق خصوصی هستند، در برخی مواقع اشتغالات عمومی را انجام می‌دهند که تابع حقوق عمومی است. از این رو دیوان نتیجه می‌گیرد که «معیار ساختاری» تنها یکی از معیارهاست و در حقوق بین‌الملل می‌بایست سایر معیارها از جمله کنترل شرکت توسط دولت و اهداف و اشتغالانی که برای آن در نظر گرفته شده است نیز لحاظ شود (Ibid. paras. 48-50). دیوان در این رأی با عنایت به ماده ۴(۲) طرح مسئولیت و این استدلال که توصیف یک نهاد به‌عنوان نهاد دولتی طبق حقوق بین‌الملل، بستگی به وضعیت آن نهاد طبق حقوق داخلی ندارد (ILC Draft articles on Responsibility, op.cit., p. 42)، صرف خصوصی بودن شرکت مزبور طبق قانون داخلی اسپانیا را مانعی در

جهت توصیف آن شرکت به عنوان نهاد دولتی طبق حقوق بین الملل، تلقی نکرد. همچنین با استناد به ماده ۵، «معیار کارکردی» را متضمن بررسی موردی در هر پرونده دانست.

۳-۱-۲. نهادهای نیمه دولتی یا شبه دولتی

مراجع داوری درمورد نهادهای نیمه دولتی (این اصطلاح در ادبیات فارسی به نام «نهادهای خصوصی» که از ترکیب نهادهای خصوصی و دولتی ساخته شده، مشهور شده است) عمدتاً به قواعد عرفی انتساب که در ماده ۵ طرح مسئولیت تدوین شده است، استناد می کنند. با این حال، مسئله مناقشه برانگیز درمورد اعمال معیار مناسب برای انتساب به ویژه از زمان استناد به ماده ۵ طرح مسئولیت در دعاوی سرمایه گذاری به پیچیدگی های مربوط به اشکال مختلف مداخله دولت در نظام اقتصادی مربوط می شود. با این حال، مراجع داوری به طور کلی براساس رویکرد حقوق بین الملل عرفی، شناسایی یک موجودیت نیمه دولتی را در دو مرحله انجام می دهند: اول به صورت مقدماتی از تحلیل ساختاری استفاده می کنند و سپس معیار کارکردی را اعمال می کنند. در رابطه با تحلیل ساختاری می توان فهرستی طولانی از عناصر دخیل در تحلیل را ارائه داد: تأسیس براساس قانون یا احکام قانونی (ICSID Case No ARB(AF)/00/3, Award 30 April 2004, para 75; ICSID Case No ARB/07/24, Award, 18 June 2010, para 22; ICSID Case No ARB/07/12, Decision on Jurisdiction, 11 September 2009, paras 51; UNCITRAL, Award on the Merits, 24 May 2007, para 9 (از جمله قوانین مربوط به خصوصی سازی) (1.1. para, SCC, Arbitral Award, 16 December 2003)، وجود مأموریت برای انجام یک خدمت عمومی یا تعقیب یک هدف عمومی (ICSID Case No (ARB/00/4, Decision on Jurisdiction, 31 July 2000, para 32 متعلق به دولت (ICSID Case No. ARB/08/11, Award, 25 October 2012, para 173)، بودجه مستقل (ICSID Case No ARB/04/13, Award, 6 November 2008)، دریافت بارانه دولتی (para 161 UNCITRAL, Award on the Merits, 24 May 2007, para 45)، تفویض اختیارات انحصاری از سوی دولت (از جمله اختیار قیمت گذاری) (Ibid., para 9)، هیئت رئیسه منصوب دولت (ICSID Case No ARB/01/11, Award, 12 October 2005, para 76)، وجود وزرا به عنوان رئیس یا عضو هیئت رئیسه (ICSID Case No ARB/00/6, Decision on Jurisdiction, 16 July 2001, para 19) و ... در برخی پرونده ها این نهادها به عنوان نمونه می توانند خدمتی عمومی ارائه دهند یا در جهت یک هدف عمومی اعمال اختیار کنند که در این صورت، «تحلیل ساختاری» با «معیار کارکردی» اعمال اقتدار حاکمیتی در هم تنیده می شود و به این ترتیب، «هدف عمومی» آن نهاد به عنوان مبنایی

کافی برای اثبات انتساب رفتار آن نهاد به دولت عمل می‌کند. برای نمونه، مرجع داوری ایکسید در پرونده سالینی علیه مراکش بیان داشت: «واضح است که هدف اصلی AMD انجام وظایفی است که تحت کنترل دولت است (ساخت‌وساز و مدیریت و بهره‌برداری دارایی‌های متعلق به بخش خدمات عمومی و پاسخگویی به نیازهای سازندگی دولت مراکش در رابطه با زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی کارآمد) (ICSID Case No ARB/00/4, Decision on Jurisdiction, 31 July 2000, para 33).

با این حال، معیار ساختاری «به‌خودی خود مسئله انتساب را حل نمی‌کند» (ICSID Case No ARB/07/24, Award, 18 June 2010, para 193). درواقع، دیوان داوری باید متعاقباً به معیار کارکردی رجوع کند تا بتواند اعمال واقعی عناصری از اقتدار حاکمیتی را نیز طبق ماده ۵ طرح مسئولیت اثبات کند. نکته قابل تأمل در این خصوص این است که این معیار بدو متناظر با «معیار ماهیت عمل» طبق حقوق مصونیت قضایی دولت می‌باشد که مبتنی بر تقسیم‌بندی دوگانه «اعمال حاکمیتی»^۱ و «اعمال تصدی»^۲ است. این رویکرد نیز برای مراجع داوری سرمایه‌گذاری چندان ناشناخته نیست، همان‌طور که مرجع داوری ایکسید در پرونده مافزینی علیه اسپانیا بیان می‌دارد:

«دیوان باید مجدداً بر معیار کارکردی تکیه کند، یعنی باید اثبات کند که این فعل‌ها یا ترک فعل‌های خاص در اصل ماهیت تجاری داشته‌اند نه ماهیت حاکمیتی، یا برعکس اثبات کند که ماهیت آنها در اصل حاکمیتی بوده است نه تجاری. اعمال تجاری نمی‌تواند به دولت اسپانیا قابل انتساب باشد، درحالی که اعمال حاکمیتی قابل انتساب است» (ICSID Case No ARB/97/7, Award, 13 November 2000, para 52, 57). دیوان داوری ایکسید در پرونده دیگری نیز بیان می‌دارد که: «طبق ماده ۵ طرح مسئولیت، در صورتی که اعمال خوانده که موضوع شکایت است در راستای اعمال اقتدار حاکمیتی بوده، قابل استناد به دولت است. در صورتی که در اجرای مناسبات تجاری انجام گرفته باشد، نمی‌تواند بر این اساس، به دولت منتسب شود» (ICSID Case No ARB/07/24, 18 June 2010, para 201(i)).

این استدلال فرمالیستی که الزام به اعمال عناصری از اقتدار دولتی مطابق با ماده ۵ قواعد مسئولیت را به دسته‌ای وسیع‌تر از الزامات مربوط به اعمال اقتدار حاکمیتی طبق ماده ۲(۱)(پ) «کنوانسیون ملل متحد برای مصونیت‌های صلاحیتی دولت‌ها و اموال آنها» نسبت می‌دهد، چندان قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. به جای آن، استفاده از «معیار ماهیت عمل» که درچارچوب نظریه «مصونیت قضایی

1. acta jure imperii
2. acta jure gestionis

محدود» در زمینه انتساب رفتار طبق ماده ۵ مسئولیت طراحی شده است، به منظور تقویت سازگاری میان این دو حوزه از حقوق بین الملل عمومی کاربرد دارد (De Stefano, 2020. pp. 57-61).

۳-۱-۳. افراد خصوصی

در ارتباط با استناد به ماده ۸ طرح پیش نویس، در قضیه بی/یندیر علیه پاکستان، دیوان ابتدا به بررسی قابلیت انتساب طبق مواد ۴ و ۵ پیش نویس مسئولیت پرداخت و بیان داشت اولاً طبق ماده ۴ و به واسطه وضعیت حقوقی جداگانه این شرکت، امکان تلقی شرکت به عنوان ارگان دولتی منتفی است، ثانیاً، در ارتباط با ماده ۵ پیش نویس، دیوان بیان داشت هرچند این شرکت به طور کلی اختیار اعمال عناصری از اقتدار حاکمیتی را داشته است، با این حال، وجود این «اختیارات کلی» فی نفسه برای اجرای ماده ۵ مسئولیت کافی نیست. از این رو دیوان بیان داشت این شرکت در این مورد خاص در سمت حاکمیتی عمل کرده است و ماده ۸ طرح پیش نویس در اینجا قابلیت اعمال پیدا می کند (ICSID Case No. ARB/03/29, (Aug. 26, 2009), paras. 117-30). دیوان در ادامه و در تأیید اینکه آیا اقدامات شرکت ملی بزرگراه (NHA) می تواند طبق ماده ۸ طرح پیش نویس قابل انتساب به دولت پاکستان باشد یا خیر، بیان داشت «هر اقدام خاص شرکت در نقض معاهده، پیامد مستقیم تصمیم شرکت مذکور در خاتمه قرارداد بود و این تصمیم به صراحت از جانب دولت پاکستان دریافت می شد» (Ibid., para. 125). دیوان مضافاً اشاره کرد که «انتساب طبق ماده ۸ هیچ خدشه ای به توصیف رفتار مورد بحث به عنوان عمل حاکمیتی یا تجاری وارد نمی کند. به منظور انتساب طبق این قاعده، مهم نیست که اعمال تجاری، مدیریتی یا قراردادی باشد، بنابراین اثبات انتساب الزاماً به این معنا نیست که اعمال تحت بررسی به عنوان عمل حاکمیتی مورد شناسایی قرار گیرد» (Ibid., Para. 129).

کما اینکه، در برخی موارد ممکن است اعمال تصدی یک شرکت دولتی ذیل دامنه انتساب ماده ۸ طرح مسئولیت جای گیرد. این امکان زمانی مطرح می شود که الزامات مقرر در ماده ۵ طرح مسئولیت محقق نشود، که این امر در غیاب تفویض رسمی اختیارات یا واگذاری عناصری از اقتدار حاکمیتی وجود نداشته باشد. در این موارد عناصری که پیش تر در تحلیل ساختاری یا معیار ساختاری به عنوان مبنای انتساب طبق ماده ۵ مطرح شد، به عنوان مبنای انتساب طبق ماده ۸ عمل می کنند، به شرطی که شواهدی مبنی بر دستور، هدایت یا کنترل توسط ارگان های دولتی وجود داشته باشد. چنین نتایجی ممکن است براساس یافته هایی همچون نظارت مشهود دولتی، تأیید قبلی تصمیمات و عملیات، و دستوراتی از سوی دولت به شرکت های دولتی یا همچنین طبق ملاحظات حکمرانی شرکتی که انتصاب مدیران توسط دولت ها را پیش بینی می کند، به دست آید. یکی از

منابع غنی درخصوص این نتیجه‌گیری، آرای دیوان داوری ایران- ایالات متحده آمریکا است (Case No 17, 15 December 1982, IRAN-US CTR 411, 413; IRAN-US CTR) 334, 338 (1983-I); Award No 133-340-3, 6 IRANUS CTR 52, 58-59 (1984- (II); Award No 21- 132-3, 2 IRAN-US CTR 6 (1983-I). به هر روی، مراجع داوری نیز تصدیق کرده‌اند که انتساب طبق ماده ۸ سازوکاری استثنایی است که مستلزم آستانه بالایی از دستورالعمل‌ها یا مجوزها از یک سو و هدایت یا کنترل از سوی دیگر است. مراجع داوری همچنین بیان داشته‌اند که کنترل یک ارگان دولتی بر فعالیت‌های افراد خصوصی می‌بایست طبق حقوق بین‌الملل عرفی، «مؤثر» باشد (ICSID Case No ARB/04/13, Award, 6 November) (2008, para 173).

طبق تخمین پروفیسور کرافورد (2010) در سال ۲۰۱۰، از مجموع آرای مرجع داوری ایکسید در زمینه قابلیت انتساب، ۲۴ رأی به ماده ۴ طرح مسئولیت، ۱۰ رأی به ماده ۵ و ۹ رأی به ماده ۸ طرح مسئولیت استناد کرده‌اند که از مجموع اینها تنها در تعداد معدودی از این آراء استناد به این مواد تأثیر قاطع در نتیجه رأی داشته و عمده آنها صرفاً به صورت مقدماتی و یا برای بیان اهمیت و جامعیت طرح مسئولیت بوده است (De Stefano. 2020). در پژوهش دیگری که از سوی پروفیسور شیرلو و دوگال (2022. p. 456) از سال ۲۰۱۰ به این سو انجام شده، بیش از ۱۲۵ رأی با این موضوع شناسایی شده است که نشان از افزایش قابل ملاحظه آرای مبتنی بر مواد مسئولیت دارد.

۲-۳. نقض معاهده سرمایه‌گذاری

در حوزه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد به منظور امکان طرح مسئولیت دولت طبق حقوق بین‌الملل، نقض قرارداد می‌بایست دربرگیرنده نقض یک تعهد بین‌المللی باشد. بار اثبات این مطلب نیز برعهده سرمایه‌گذار خارجی است که اثبات کند نقض قرارداد منعقد با دولت میزبان، چگونه و تا چه اندازه منجر به نقض معاهده شده است. دیوان داوری ایکسید در قضیه *اس.جی.اس علیه پاکستان* در این ارتباط از «معیار بررسی مقدماتی»^۱ استفاده کرد و براساس آن بر توصیف پرونده توسط سرمایه‌گذار تکیه کرد، تا جایی که «واقعیت‌هایی تأیید شده توسط خواهان را بتوان نقض‌های ادعایی معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری تلقی کرد» (Feit, 2010. p. 153). دیوان در قضیه *اس.جی.اس علیه فیلیپین*، جنبه سخت‌گیرانه‌تری از معیار سابق‌الذکر را به کار گرفت. طبق این معیار دیوان در صورتی واجد صلاحیت است که واقعیاتی که توسط خواهان (سرمایه‌گذار) ارائه شده، به صورت منصفانه‌ای

1. prima facie test

مسائل نقض یک یا چند مقررۀ معاهدۀ دوجانبۀ سرمایه‌گذاری را مطرح کند» (Ibid). براساس مادۀ ۱۲ طرح مسئولیت نقض یک تعهد بین‌المللی به این معناست که عمل یک دولت با آنچه به موجب تعهد بین‌المللی ملزم به انجام آن بوده، مطابقت نداشته باشد. به‌علاوه چنین نقضی بدون توجه به منشأ و ماهیت آن تعهد و نیز ذی‌نفع تعهد مورد نظر منجر به مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود. همچنین توصیف عمل ارتكابی به‌عنوان عمل متخلفانه باید براساس حقوق بین‌الملل انجام گیرد، ولو اینکه آن عمل طبق حقوق داخلی مجاز باشد. همان‌گونه که بیان شد صرف نقض یک قرارداد سرمایه‌گذاری متضمن نقض حقوق بین‌الملل نیست و این امر مستلزم شرایط مضاعفی است. سه شرط کلی را می‌توان در این رابطه مطرح کرد: ۱) در صورتی که عدم مراعات یک تعهد معاهده‌ای دربرگیرندۀ نقض تعهد عرفی «رفتار عادلانه و منصفانه» شود. ۲) براساس «شرط فراگیر» رعایت قرارداد سرمایه‌گذاری بخشی از تعهد بین‌المللی دولت طبق معاهدۀ حمایت از سرمایه‌گذاری باشد. ۳) نقض قرارداد منجر به مصادرهٔ اموال سرمایه‌گذار شود و لزوم پرداخت غرامت به‌عنوان یک تعهد عرفی بین‌المللی مطرح گردد. در ادامه به توضیح این سه شرط می‌پردازیم.

۳-۲-۱. شرط رفتار عادلانه و منصفانه

امروزه اکثر قریب به اتفاق معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری حاوی شرط رفتار عادلانه و منصفانه و حمایت و امنیت کامل هستند (نظیر مادۀ ۱۱۰۵) موافقتنامۀ تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA, 1992). همچنین در بسیاری از آرای داوری سرمایه‌گذاری نیز به دامنهٔ شمول و نقض چنین شرطی اشاره شده است. فارغ از جنبه‌های متعددی از این شرط که در آرای داوری به آن اشاره شده است، آنچه مستقیماً با موضوع بحث حاضر مرتبط است، اشارهٔ مراجع داوری بین‌المللی و مخصوصاً مراجع داوری ایکسید به قابلیت اعمال این شرط نسبت به تعهدات قراردادی است. هرچند دامنهٔ دقیق این شرط هنوز هم روشن نیست، اما برخی از مراجع داوری این مسئله را به‌صورت کلی مورد پذیرش قرار داده‌اند که «شرط رفتار عادلانه و منصفانه» نقض قراردادهای سرمایه‌گذاری را نیز در برمی‌گیرد. برای نمونه مراجع داوری ایکسید در آرای اس.جی.اس علیه فیلیپین (ICSID Case No. ARB/02/6, (Jan. 29, 2004), para. 162) و نابل ونچرز علیه رومانی (ICSID Case No. ARB/03/3, (Apr. 22, 2005), para. 182) بیان داشته‌اند این شرط نقض قراردادهای سرمایه‌گذاری را نیز پوشش می‌دهد. مراجع داوری ایکسید در بسیاری از آرای داوری خود به این نکته اشاره کرده‌اند که نقض «شرط رفتار عادلانه و منصفانه» مستلزم این است که دولت طرف قرارداد در مقام اعمال حاکمیت باشد. هرچند هنوز چنین برداشتی تبدیل به

رویه یکپارچه این نهاد داوری نشده است. برای نمونه دیوان در رأی قضیه‌ی /ایمپر جیلو علیه پاکستان در این ارتباط بیان می‌دارد: «برای اینکه نقض ادعایی یک قرارداد متضمن نقض معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری باشد، نقض ادعایی می‌بایست نتیجه رفتاری باشد که فراتر از رفتار مشابهی است که یک طرف معمول قراردادی می‌تواند انجام دهد. دولت تنها در اجرای اقتدار حاکمیتی و نه به‌عنوان یک طرف قرارداد، می‌تواند تعهدات مندرج در معاهده دوجانبه را نقض کند» (ICSID Case No. ARB/03/29, para. 260). به عبارت دیگر، نقض این شرط از منظر دیوان مستلزم استفاده از «اقتدار حکومتی دولت» است (ICSID Case No. ARB/00/6 (Dec. 22, 2003); ICSID Case No. ARB(AF)/00/3 (Apr. 30, 2004)).

در پایان باید خاطرنشان ساخت اصل رفتار منصفانه و عادلانه، استاندارد حمایتی است که تا حد امکان خلاءهای حمایتی سایر استانداردها را مرتفع کند (دالزر، شروئر، پیشین، صص. ۱۹۸-۲۱۱). چنین شرطی دامنه شمول وسیعی دارد و حتی می‌تواند «در مواقعی که ادله کافی برای اثبات سلب مالکیت وجود ندارد، برای تحقق عدالت و جبران خسارت از سرمایه‌گذار به کار آید» (ICSID Case No. ARB/02/16, (28 September 2008), paras. 300-301). از این رو استناد به این شرط در مراجع داوری به دلیل آثار عملی آن، بسیار زیاد است. به علاوه، با عنایت به هدف نهایی معاهدات سرمایه‌گذاری که همانا ایجاد شرایط باثبات و امن برای سرمایه‌گذار خارجی در کشور میزبان است و همچنین باتوجه به اینکه روابط اصلی میان سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان از طریق قراردادهای سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد، منطقی نیست که دامنه شمول این شرط را به حمایت از تعهدات قراردادی دولت‌ها تعمیم نداده و هدف حمایتی چنین شرطی را سالبه به انتفاء موضوع کنیم.

۲-۲-۳. مصادره

در ارتباط با مصادره امروزه پذیرفته شده است که مصادره نه تنها شامل دارایی‌های عینی، بلکه شامل طیف وسیعی از دارایی‌های غیرعینی دارای ارزش اقتصادی، از جمله حقوق قراردادی می‌گردد (Feit, 2010. p. 158). البته این پرسش که آیا مصادره غیرمستقیم، حقوق قراردادی را نیز در برمی‌گیرد یا خیر، مقدمتاً بستگی به عبارت‌پردازی معاهدات سرمایه‌گذاری دارد. ابتدا باید گفت سلب مالکیت یا مصادره غیرمستقیم خدشه‌ای بر مالکیت رسمی و ظاهری سرمایه‌گذار وارد نمی‌کند. بلکه وی را از بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌اش به شیوه‌ای معقول و با صرفه محروم می‌کند (همان، ص. ۱۵۹). در اغلب معاهدات دو یا چندجانبه سرمایه‌گذاری مقرراتی راجع به مصادره غیرمستقیم وجود دارد. مثلاً در معاهده منشور انرژی از «اقدام یا اقداماتی که تأثیر مشابه ملی سازی

یا سلب مالکیت دارد» (ماده ۱۳) صحبت کرده است. معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری نیز با ادبیات متفاوتی مصادره مستقیم و غیرمستقیم و دامنه آنها را تعیین کرده‌اند. گفتنی است که در این معاهدات در تعریف مصادره عمدتاً به سلب مالکیت، ملی‌سازی یا اقدامات مشابه آن نسبت به «سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذار خارجی»، اشاره می‌شود. با نگاهی به تعریف «سرمایه‌گذاری» در معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری ملاحظه می‌شود که در اکثر قریب به اتفاق این معاهدات، سرمایه‌گذاری از جمله شامل «هرگونه حق اعطا شده به وسیله قانون یا قرارداد» نیز می‌باشد. از این رو می‌توان گفت حقوق اعطا شده در قرارداد نیز می‌تواند تحت شرایطی موضوع مصادره تلقی گردد و تعهد قراردادی را تبدیل به تعهد بین‌المللی دولت میزبان کرد.

اما مسئله حائز اهمیت در این باره این است که در اقدام یک دولت به سلب مالکیت، چگونه می‌توان میان نقض معمول یک قرارداد سرمایه‌گذاری و نقضی که منجر به مصادره می‌شود، قائل به تفکیک شد. در قضیه ویست منیجمنت، دیوان دآوری ایکسید با این مسئله مواجه بود که آیا نقض جدی و مستمر قرارداد توسط ارگان دولتی می‌تواند دربرگیرنده مصادره حق مورد نظر باشد یا خیر؟ (ICSID Case No. ARB(AF)/00/3 (Apr. 30, 2004), para. 165). دیوان این ارتباط میان صرف قصور یا استنکاف تبعیت از قرارداد و رفتاری که به آستانه سلب مالکیت می‌رسد، قائل به تفکیک شد (Ibid., para. 174). دیوان به این نکته اشاره کرد که «عدم تبعیت یک حکومت از تعهدات قراردادی مصادره یا مشابه آن به حساب نمی‌آید»، «بلکه لازم است انکار مؤثری از حق آشکار شود، و از طریق راه‌چاره‌های موجود برای خواهان جبران‌نشده باقی بماند» (Ibid., para. 175). در مجموع، دیوان به این نتیجه می‌رسد که نقض تعهدات قراردادی تنها زمانی می‌تواند منجر به نقض ماده ۱۱۱۰ نفتا شود که آن نقض مبتنی بر عمل حاکمیتی باشد، نظیر صدور دستور تقنینی، یا در صورتی که سرمایه‌گذار هیچ امکانی برای دستیابی به جبران نسبت به نقض صورت گرفته، نزد یک دادگاه نداشته باشد (Ibid., Para. 177). مشابه چنین حکمی را می‌توان در رأی قضیه اس.جی.اس علیه فیلیپین نیز مشاهده کرد. این مرجع نیز هم بر حاکمیتی بودن عمل و هم بر عدم امکان جبران خسارت برای سرمایه‌گذار، تأکید کرد (ICSID Case No. ARB/01/13, 2003. para. 161). دیوان در قضیه آئوریکس نیز به نتیجه‌گیری مشابهی رسید و هرگونه نقض قراردادی را منتهی به مصادره ندانست. بلکه چنین نتیجه گرفت که سلب مالکیت زمانی اتفاق می‌افتد که «دولت یا نهادهای آن از صرف نقض در مقام یک طرف قرارداد فراتر رفته و اشتغالات مشخصی از حاکمیت را انجام دهند» (ICSID Case No. ARB/01/12 (July 14, 2006), para. 315).

۳-۲-۳. شرط فراگیر

در مباحث پیشین راجع به شرط فراگیر و خصائص آن سخن گفتیم. در اینجا و در ارتباط با موضوع حاضر نیز نکاتی پیرامون این شرط ذکر می‌کنیم. نخستین پرسشی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا نقض یک قرارداد سرمایه‌گذاری توسط دولت میزبان، به سرمایه‌گذار حق استناد به آن نقض در محاکم داوری بین‌المللی را می‌دهد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا نقض یک قرارداد سرمایه‌گذاری، نقض تعهد حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید؟

مقدمتاً باید گفت، پاسخ به پرسش فوق مثبت است. اهمیت این مطلب در این است که دیوان داوری بین‌المللی که براساس معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده است، بر ادعاهای نقض‌های قراردادی نیز صالح است، چراکه نقض یک قرارداد سرمایه‌گذاری همچنین نقض «شرط فراگیر» نیز به حساب می‌آید (Wong, 2006, p. 139).

در ارتباط با این پرسش که دامنه «شرط فراگیر» تا کجاست و آیا همه تعهدات قراردادی میان دولت و سرمایه‌گذار خارجی مشمول این حمایت می‌شود یا برخی از آنها، اختلاف نظر وجود دارد. در آرای داوری مخصوصاً پس از رأی دیوان ایکسید در قضیه *اس.جی.اس علیه پاکستان* (ICSID Case No. ARB/01/13, 2003) اجماع سابقاً پایدار پیرامون این مفهوم جای خود را به تشتت در آرای بعدی داد. مجموعاً و بدون ورود به جزئیات می‌توان چند رویکرد تفسیری پیرامون این شرط را در آرای داوری ایکسید برشمرد: برخی مراجع از این شرط تفسیری مضیق به عمل می‌آورند، به این معنا که هیچ محدودیتی بر حاکمیت دولت‌ها از طریق این شرط وارد نمی‌آید مگر اینکه صریحاً در معاهده منعکس شده باشد (Ibid., para. 167). برخی دیگر از محاکم با تفکیک میان «اعمال تصدی» و «اعمال حاکمیتی» دولت، معتقدند تنها نقض‌های قراردادی که دولت را در مقام حاکمیتی‌اش ملزم می‌کند، تحت پوشش استاندارد فراگیر هستند (ICSID Case No. ARB/03/15, 27 April 2006; ICSID Case No. ARB/03/1, 27 July 2006). برخی محاکم دیگر نیز تمرکز را بر معیار شدت مداخله دولت در حقوق مندرج در قرارداد می‌گذارند (ICSID Case No. ARB/01/8, 12 May 2005, para. 299; ICSID Case No. ARB/03/11).

هرچند دولت‌ها در تعیین دامنه شمول این استاندارد در معاهدات سرمایه‌گذاری آزادی کامل دارند، اما باز هم برخی از عبارت‌پردازی‌های مبهم در این ارتباط منجر به تشتت در آرای داوری شد است. برای نمونه، مرجع داوری ایکسید در دو قضیه *اس.جی.اس علیه پاکستان* و *فیلیپین*، نتایج متفاوتی گرفت. دیوان در قضیه *اس.جی.اس علیه فیلیپین* قائل به تفسیری موسع از این شرط شد و تمامی تعهدات قراردادی را مشمول این استاندارد تلقی کرد. دیوان به این نتیجه

رسید که عبارت «هرگونه تعهد در ارتباط با سرمایه‌گذاری» ذیل استاندارد فراگیر در معاهده سرمایه‌گذاری، شامل تمامی تعهدات منبث از قرارداد سرمایه‌گذاری نیز می‌شود. بر همین اساس دیوان احراز کرد که تمامی ادعاهای نشئت گرفته از قرارداد سرمایه‌گذاری، با عنایت به «شرط فراگیر»، «به دلیل قصور دولت در مراعات تعهدات لازم‌الاجرا، تبدیل به نقض معاهده دوجانبه می‌شود» (ICSID Case No. ARB/01/13, 2003. Para. 128). این مرجع همچنین به نقد «تفسیر بسیار مضیق دیوان» در قضیه *اس.جی.اس علیه پاکستان*، پرداخت (Ibid., Para. 120). همین نمونه نشان می‌دهد که در محاکم داوری، برخورد یکپارچه‌ای با این شرط نشده است. در نتیجه می‌توان گفت مراجعی که به «شرط فراگیر» معنای محدود و مضیقی می‌دهند، عموماً این نگرانی را دارند که کوچک‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین ادعاهای قراردادی را تبدیل به ادعاهای معاهده‌ای کنند، اما با این کار عملاً استانداردهایی نظیر «رفتار عادلانه و منصفانه» و «حمایت و امنیت کامل» را بلااستفاده می‌کنند (همان‌گونه که دیوان در قضایای *ال پَسو انرژی* (پاراگراف ۷۶) و *پان آمریکن انرژی* (پاراگراف ۱۰۵) بیان داشت). از سوی دیگر مراجعی که معنای موسعی به این شرط می‌دهند، این استدلال را مدنظر دارند که شرط فراگیر «همان معنایی را می‌دهد که بیان می‌کند». (Feit, 2010, pp. 163-167)

نتیجه‌گیری

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین مواد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، تلاش بر تدوین مجموعه‌ای جامع داشته است که اولاً، تمامی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها را در برگیرد و ثانیاً، فارغ از مخاطب این تعهدات، امکان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت توسط یک یا چند دولت، اشخاص و گروه‌ها و جامعه بین‌المللی در کل را فراهم آورد. مضافاً اینکه، عصر حکومت حقوق بین‌الملل بر روابط انحصاری میان دولت‌ها به سرآمده است و اشخاص نیز امروزه در حقوق بین‌الملل به‌عنوان تابع مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. یکی از حوزه‌های حقوق بین‌الملل که در آن اشخاص مهم‌ترین اسناد حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری یعنی کنوانسیون واشنگتن نیز این حق را به اشخاص (سرمایه‌گذاران) اعطا کرده است که به مسئولیت بین‌المللی دولت استناد کنند.

از آنجایی که حمایت از سرمایه‌گذاران یکی از اهداف اساسی معاهدات راجع به سرمایه‌گذاری است و چنین حمایتی مستلزم این است که تعهدات دولت‌ها در قبال سرمایه‌گذاران که عمدتاً موضوع حقوق تجارت بین‌الملل است، تحت پوشش حمایتی حقوق بین‌الملل قرار گیرد. این مهم از طریق ۳ راهکار محقق می‌شود. نخست، درج «شرط فراگیر» در معاهدات سرمایه‌گذاری که

منجر به تبدیل تعهدات قراردادی دولت میزبان در قبال سرمایه‌گذار به تعهدات معاهده‌ای بین‌المللی می‌شود. دوم، «شرط رفتار عادلانه و منصفانه» که به عنوان مکانیسمی حمایتی سبب می‌شود نقض تعهدات قراردادی دولت با شرایطی منجر به نقض این اصل طبق حقوق بین‌الملل عرفی گردد و نتیجتاً مسئولیت بین‌المللی دولت را به همراه آورد. مکانیسم دیگر در چارچوب «مصادره» قابل بحث است؛ با این توضیح که مصادره غیرمستقیم، حقوق قراردادی را نیز در برمی‌گیرد و در صورت وقوع منجر به نقض تعهد بین‌المللی یک دولت و طرح مسئولیت بین‌المللی آن می‌گردد.

اما فارغ از نوع تعهدات بین‌المللی دولت در رابطه با استناد به مسئولیت بین‌المللی و شرایط زائل‌کننده وصف متخلفانه اعمال دولت‌ها، نکته اساسی میزان نفوذ و استناد به مواد طرح سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در آرای داوری مرکز ایکسید است. در این رابطه با استناد به آرای داوری مراجع داوری ایکسید این اعتقاد اثبات می‌گردد که این مراجع در عرفی بودن مواد طرح پیش‌نویس تا حد زیادی اجماع دارند. از این رو در جای‌جای آرای خود در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی به این مواد استناد کرده‌اند، اما نکته مهم‌تر مربوط به میزان اثرگذاری این مواد در نتایج آرای داوری این نهاد است. در این باره باید گفت استناد به مواد مذکور عمدتاً در قالب مقدمات استدلال‌های مراجع داوری مورد استناد قرار گرفته است و در کمتر رأیی می‌توان اثر قطعی این مواد را در بندهای اجرایی و نتیجه‌گیری‌های اساسی آن مشاهده کرد.

در پایان می‌توان گفت هرچند تحولات قواعد مسئولیت دولت این نکته را روشن می‌کند که در تنظیم این قواعد حوزه نوظهور حقوق حمایت از سرمایه‌گذاری نیز ملحوظ نظر کمیسیون بوده است، اما مراجع داوری ایکسید عمدتاً برای اعتباربخشی به آرای خود و نیز تقویت قدرت اقتناع‌کنندگی استدلال‌ها به مواد عام حقوق مسئولیت بین‌المللی استناد کرده‌اند و این مواد را به عنوان نقطه اتکاء اصلی برای مسئولیت دولت در مقابل سرمایه‌گذار خارجی قلمداد نمی‌کردند. حتی برخی مراجع بر این اعتقادند که مواد پیش‌نویس عمدتاً تنظیم‌کننده قواعد راجع به مسئولیت دولت‌ها در مقابل سایر دولت‌هاست و مراجع داوری برای یافتن مقررات مربوط به مسئولیت دولت در مقابل بازیگران غیردولتی باید به قواعد مندرج در معاهدات خاص راجع به سرمایه‌گذاری رجوع کنند ((ICSID Case No. ARB/04/14, Award (December 8 2008)). با این حال مواردی را نیز می‌توان یافت که در آن بخشی از نتیجه‌گیری مراجع داوری از طریق استناد به مواد مسئولیت و شرح آن حاصل شده است. این موارد را غالباً می‌توان در ارتباط با مسئله «انتساب» مشاهده کرد. در مجموع برای پاسخ به این پرسش که مواد مسئولیت بین‌المللی دولت تا چه میزان امکان اعمال در دعاوی داوری میان دولت و سرمایه‌گذار خارجی را دارد، می‌توان به بخش‌های مختلف طرح مسئولیت و حدود اعمال آن نظر انداخت. بخش اول طرح مسئولیت حاوی مقررات

عمومی مسئولیت بین‌المللی دولت است. این بخش حاکم بر نقض تعهدات بین‌المللی از سوی دولت‌ها است، اما درخصوص نقض این تعهدات از سوی بازیگران غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی یا موجودیت‌های خصوصی اعمال نمی‌شود. با این حال، همان‌طور که در این مقاله بیان شد این اتفاق نظر در دکترین حقوقی و آرای داوری وجود دارد که بخش اول در رابطه با احراز انتساب اعمال به دولت در دعاوی سرمایه‌گذاری اعمال می‌شود (Hobér, 2008. pp. 552-3). بخش چهارم نیز که به همین ترتیب دربرگیرنده مقررات عمومی از جمله اصل «قانون خاص» است، چنان که بیان شد عموماً در چارچوب داوری‌های سرمایه‌گذاری اعمال می‌شود. بخش دوم و سوم طرح مسئولیت به پیامدهای حقوقی مسئولیت دولت، از جمله جبران خسارت (مواد ۳۱، ۳۴ تا ۳۸) و اقدامات متقابل (مواد ۴۹ تا ۵۴) می‌پردازد. برخی از مواد این بخش‌ها منحصراً مرتبط با دولت‌ها است و امکان اعمال آن در قبال اشخاص خصوصی وجود ندارد (نظیر اصل دفاع مشروع موضوع ماده ۲۱). سایر مقررات نیز به رفتارهای میان «دو یا چند دولت» مربوط می‌شود (نظیر ماده ۱۶ درمورد کمک و مساعدت به دولت دیگر برای ارتکاب اعمال متخلفانه یا ماده ۱۸ درخصوص اجبار دولت). با این حال، به عقیده بسیاری حتی بخش‌های دوم و سوم طرح مسئولیت نیز می‌تواند به‌عنوان اصول راهنما در دعاوی سرمایه‌گذاری به کار رود (de Stefano, 2022. p. 459). در نتیجه عمده کاربردهای مواد مسئولیت در داوری‌های سرمایه‌گذاری فارغ از جایگاه آنها در اخذ تصمیمات نهایی، می‌تواند به انسجام و یکپارچگی در رویه داوری سرمایه‌گذاری حول برخی موضوعات مشابه کمک شایانی کند.

کتابنامه

- اخوان فرد، مسعود، محمدکاظم تقدیر، مسئولیت بین‌المللی دولت براساس معاهده منشور انرژی، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وهفتم، ۱۳۸۹، شماره ۴۲.
- دالزر، رودلف، شروئر، کریستف، اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، ترجمه زمانی، سیدقاسم، حبیبی، به‌آذین، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- زمانی، سیدقاسم، درون‌پرور، امیر، «پویایی مفهوم سرمایه‌گذاری در پرتو متدولوژی‌های احراز صلاحیت ایکسید»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۹، بهار ۱۳۹۴.
- سیفی، سید جمال، حقوق مسئولیت بین‌المللی، گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت، تهران: شهردانش، چاپ دوم، ۱۴۰۱.
- عسکری، پوریا، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری بین‌المللی، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۱.

عمیدمهر، الهام، سیفی، جمال، «رابطه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در حوزه انتساب مسئولیت به دولت در اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۲، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۹.

مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، ترجمه نصرت‌الله حلمی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

Crawford, James (2002), 'The ILC's Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts: A Retrospect', *The American Journal of International Law*, Vol. 96, No. 4.

Crawford, James (2010), 'Investment Arbitration and the ILC Articles on State Responsibility', *ICSID Review*, Vol. 25, No. 1.

Crawford, James (2011), 'International Protection of Foreign Direct Investments: Between Clinical Isolation and Systemic Integration', in R. Hofmann and C. Tams (eds), *International Investment Law and General International Law: From Clinical Isolation to Systemic Integration?*, Nomos Verlagsgesellschaft Press.

De Stefano, Carlo (2020), *Attribution in International Law and Arbitration*, Oxford University Press.

Douglas, Zachary (2009), *The International Law of Investment Claims*, Cambridge University Press.

Feit, Michael (2010), 'Responsibility of the State under International Law for the Breach of Contract Committed by a State-Owned Entity', *Berkeley Journal of International Law*, Vol. 28, Issue 1.

Hobér, Kaj, "State Responsibility and Attribution", in: Peter Muchlinski, Federico Ortino and Christoph Schreuer (eds.) (2008), *The Oxford Handbook of International Investment Law*, Oxford University Press.

Kurtz, Jürgen, "The Paradoxical Treatment of the ILC Articles on State Responsibility in Investor-State Arbitration", Vol. 25 (1), *ICSID Review*, 2010.

Lazo, Rodrigo Polanco, "Beyond ICSID Arbitration: The Center for Settlement of Investment Disputes of UNASUR", in: Andrea K. Bjorklund (eds, 2013-2014), *Yearbook on International Investment Law & Policy*, Oxford University Press.

Paddeu, F., Waibel, M. (2022), "Necessity 20 Years On: The Limits of Article 25", *ICSID Review - Foreign Investment Law Journal*, Vo. 37, Issue 1-2, Winter/Spring 2022.

Sornarajah, M (1986), 'State Responsibility and Bilateral Investment Treaties', *Journal of World Trade*, Vol. 20, Issue 1.

- Sornarajah, M. (2021), *The International Law on Foreign Investment*, Fifth Edition, Cambridge University Press.
- Thjoernelund, Marie Christine Hoelck (2009), State of Necessity as an Exemption from State Responsibility for Investments, in: Max Planck Yearbook of United Nations Law Online, Vol. 13, Issue 1.
- Wang, Lu, Shan, Wenhua, “Force Majeure and Investment Arbitration”, *ICSID Review*, Vol. 37, Issue 1-2, Winter/Spring 2022.
- Weiss, Brown (2002), ‘Invoking State Responsibility in the Twenty-First Century’, *American journal of international law*, Vol. 96, No. 4.
- Wong, Jarrod (2006), ‘Umbrella Clauses in Bilateral Investment Treaties: Of Breaches of Contract, Treaty Violations, and the Divide Between Developing and Developed Countries in Foreign Investment Disputes’, *George Mason Law Review*, Vol. 14, 2006.

Cases

- Archer Daniels Midland Company and Tate & Lyle Ingredients Americas, Inc. v. the United Mexican States*, ICSID Case No. ARB(AF)/04/05, award, 21 November 2007.
- Autopista Concesionada de Venezuela CA v Bolivarian Republic of Venezuela*, ICSID Case No ARB/00/5, Award (23 September 2003).
- Azurix v. Argentine Republic*, Award, ICSID Case No. ARB/01/12 (July 14, 2006).
- Bayindir Insaat Turizm Ticaret VE Sanay A.S. v. Islamic Republic of Pakistan*, Award, ICSID Case No. ARB/03/29, (Aug. 26, 2009).
- Bosh International, Inc and B&P Ltd Foreign Investments Enterprise v Ukraine*, ICSID Case No ARB/08/11, Award, 25 October 2012.
- Cal-Maine Foods, Inc v The Government of the Islamic Republic of Iran and Sherkat Seamount Company, Inc*, Case No 340, 31 May 1984, Award No 133-340-3, 6 IRANUS CTR 52, 58-59 (1984-II)
- CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina*, (ICSID Case No. ARB/01/8), 12 May 2005.
- Consortium R.F.C.C. v. Kingdom of Morocco*, Award of the Tribunal, ICSID Case No. ARB/00/6 (Dec. 22, 2003).
- Consortium RFCC v Kingdom of Morocco*, ICSID Case No ARB/00/6, Decision on Jurisdiction, 16 July 2001.
- Corn Products International Inc., v. The United Mexican States*, ICSID Case No. ARB(AF)/04/01, decision on responsibility, 15 January 2008.
- EDF (Services) Limited v Romania*, ICSID Case No ARB/05/13, Award, 8 October 2009.
- Electrabel SA v. Republic of Hungary*, ICSID Case No. ARB/07/19, Decision

- on Jurisdiction, Applicable Law and Liability, 30 November 2012.
- El Paso Energy International Company v. The Argentine Republic*, (ICSID Case No. ARB/03/15), 27 April 2006.
- Emilio Agustín Maffezini v The Kingdom of Spain*, ICSID Case No ARB/97/7, Award, 13 November 2000.
- Eureko BV v Republic of Poland*, Ad Hoc Arbitration, Partial Award, 19 June 2005.
- Ex multis, Jan de Nul NV and Dredging International NV v Arab Republic of Egypt*, ICSID Case No ARB/04/13, Award, 6 November 2008.
- Gustav F W Hamester GmbH & Co KG v Republic of Ghana*, ICSID Case No ARB/07/24, Award, 18 June 2010.
- Impregilo SpA v Islamic Republic of Pakistan*, ICSID Case No ARB/03/3, Decision on Jurisdiction, 22 April 2005.
- Jan de Nul NV and Dredging International NV v Arab Republic of Egypt*, ICSID Case No ARB/04/13, Award, 6 November 2008.
- Joy Mining Machinery Limited v. Arab Republic of Egypt*, (ICSID Case No. ARB/03/11).
- Kimberley-Clark Corporation v Bank Markazi Iran, Novzohour Paper Industries, Government of the Islamic Republic of Iran*, Case No 57, Award No 46-57-2, 25 May 1983, 2 IRAN-US CTR 334, 338 (1983-I).
- Maffezini v. Kingdom of Spain*, Award on Jurisdiction, ICSID Case No. ARB/97/7, (Jan. 25, 2000).
- Nissan Motor Co. Ltd (Japan) v. Republic of India*, PCA Case 2017-37, Decision on Jurisdiction (29 April 2019).
- Noble Ventures, Inc v Romania*, ICSID Case No ARB/01/11, Award, 12 October 2005.
- Impregilo S.p.A. v. Islamic Republic of Pakistan*, Decision on Jurisdiction, ICSID Case No. ARB/03/3, (Apr. 22, 2005).
- Nykomb Synergetics Technology Holding AB v The Republic of Latvia*, SCC, Arbitral Award, 16 December 2003.
- Pan American Energy LLC and BP Argentina Exploration Company v. The Argentine Republic*, (ICSID Case No. ARB/03/13), 27 July 2006.
- RayGo Warner Equipment Company v Star Line Iran Company*, Case No 17, 15 December 1982, 1 IRAN-US CTR 411, 413 (1982).
- Rexnord, Inc v The Islamic Republic of Iran, Tchacosh Company and Iran Siporex Industrial and Manufacturing Works, Limited*, Case No 132, 10 January 1983, Award No 21- 132-3, 2 IRAN-US CTR 6 (1983-I).
- Salini Costruttori SpA and Italstrade SpA v Kingdom of Morocco*, ICSID Case No ARB/00/4, Decision on Jurisdiction, 31 July 2000.
- SeaCo, Inc v The Islamic Republic of Iran, The Iranian Meat Organization, Iran Express Lines, and Star Line Co*, 11 IRAN-US CTR 210, (1986-II).

- Sedco, Inc v National Iranian Oil Company and The Islamic Republic of Iran*, Case No 129, 24 October 1985, Award No ITL 55-29-3, 9 IRAN-US CTR 248, (1985-III).
- Sempra Energy International v. The Argentine Republic*, ICSID Case No. ARB/02/16, (28 September 2008).
- SGS Société Générale de Surveillance SA v. Islamic Republic of Pakistan* (ICSID Case No. ARB/01/13), 2003.
- SGS Society Generale de Surveillance S.A. v. Republic of the Philippines*, Decision of the Tribunal on Objections to Jurisdiction, ICSID Case No. ARB/02/6, (Jan. 29, 2004).
- Toto Costruzioni Generali SpA v The Republic of Lebanon*, ICSID Case No ARB/07/12, Decision on Jurisdiction, 11 September 2009.
- United Parcel Service of America Inc (UPS) v Government of Canada*, UNCITRAL, Award on the Merits, 24 May 2007.
- United Parcel Service of America Inc. v. Canada*, Award on the Merits (NAFTA Chapter 11 Arbitration, June 11, 2007).
- Waste Management, Inc v United Mexican States (Waste Management II)*, ICSID Case No ARB(AF)/00/3, Award 30 April 2004.
- White Industries Australia Limited v The Republic of India*, UNCITRAL, Final Award, 30 November 2011.
- Wintershall Aktiengesellschaft v. Argentina*, ICSID Case No. ARB/04/14, Award (December 8 2008).

Documents

- Energy Charter Treaty, December 1994.
- ILC's Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries 2001.
- North American Free Trade Agreement (NAFTA), signed in 1992.
- North American Agreement on Environmental Cooperation, January 1, 1994.
- The Washington Convention (The International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)), adopted on March 18, 1965, entered into force on October 14, 1966.

Websites [Last visited: 18/2/2025]

- http://www.georgemasonlawreview.org/wp-content/uploads/2014/03/14-1_Wong.pdf
- International Investment Agreements Navigator | UNCTAD Investment Policy Hub